

یک کتاب داستان در کلاس بخوانید و مانند فعالیت صفحه ی قبل، رویدادهای آن را به ترتیب

بنویسید.

نام داستان: جلب و لوبیا پلیدی سحر آمیز

۱. بهمن نهمین روز به نام جلب که هر روز با دوش زنگش می آمد، اتفاقاً فقط یک جاوید داشت.

۲. جلب جاوید را در زنگش یک لوبیا پلیدی می بردی. فریادش

۳. مادرش همان شب و لوبیا را در جیبش پاش کرد.

۴. صبح روز بعد، جلب دید که لوبیا به آسمان رفته است. در بالابن لوبیا، خانه تری غول وجود دارد.

۵. جلب روز اول بکه های طلا و روز دوم مرغ تخم طلای غول را از زردی

۶. روز سوم جلب من خطیست. جلب طلاهای غول را برزد که غول بیدار شد و دنبال او آمد.

۷. جلب به سرعت از لوبیا پلیدی آمد و به کمک مادرش لوبیا را جمع کرد.

۸. از آن پس هر چه جلب فقط از سبزی تلافی خود استفاده کرد.